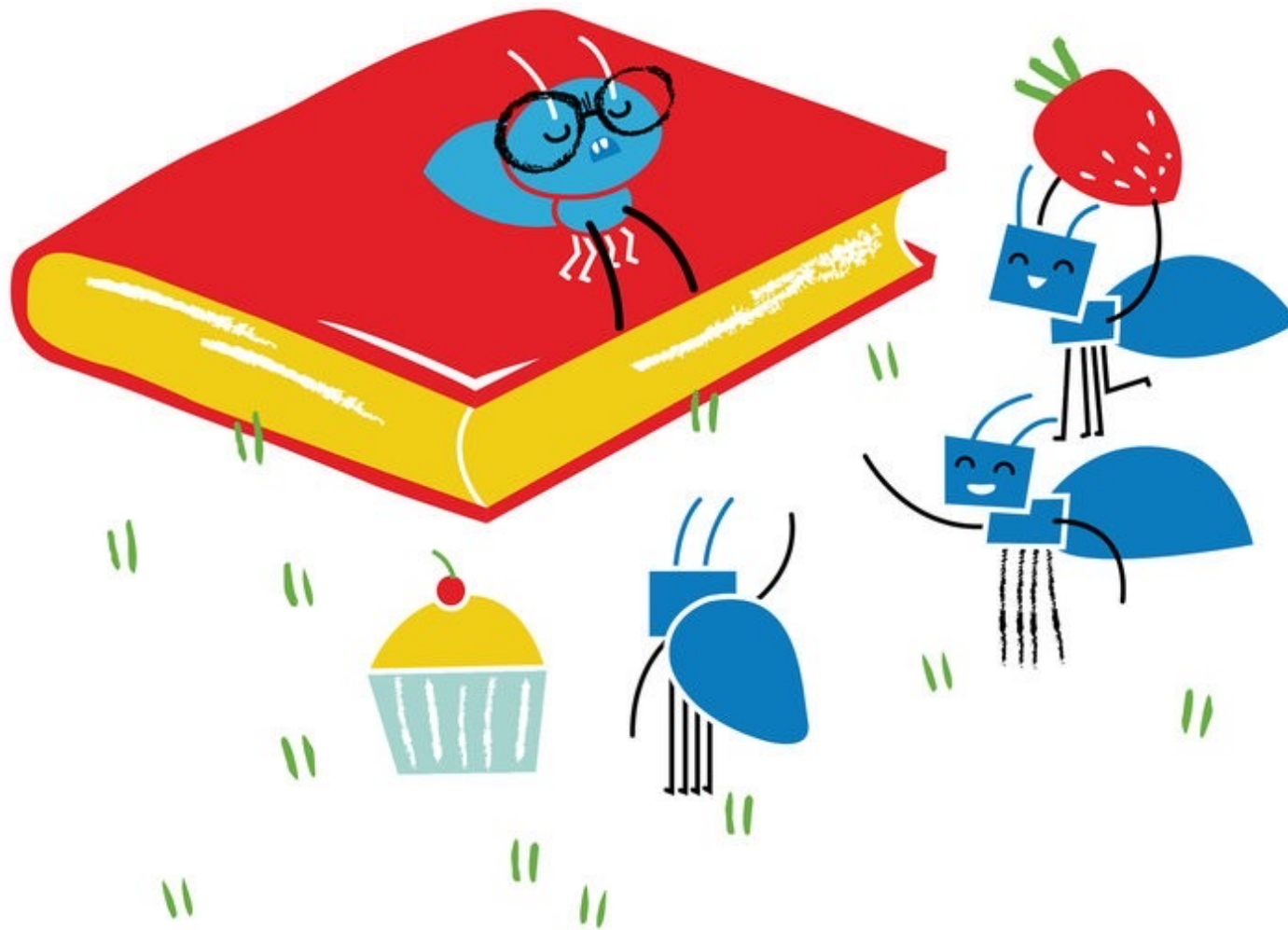


نویسنده: کنڈیس دینگوال

مترجم: فرید احمد کریمی



مورچه کوچک علاقمند خواندن بود. مورچه کوچک اکثراً مورد تمسخر قرار می گرفت.

«مورچه ها نمی خوانند. مورچه ها باید به چوچه ها غذا بد. مورچه ها غذای مورد نیاز خود را جمع آوری می کنند.»



مورچه کوچک تمام روز
را مطالعه می کرد، هر
روز می خواند و می
خواند.

مورچه های دیگر آنچه را که پیدا می کردند
برای ذخیره زمستان در زیر زمین می بردند.





مادر و پدرش زیاد
عصبانی شدند و
مورچه کوچک زیاد خفه
شد.

در خزان زمانیکه برگها می ریزند.



مورچه ها باید غذا را
در زیر زمین ذخیره
کنند.

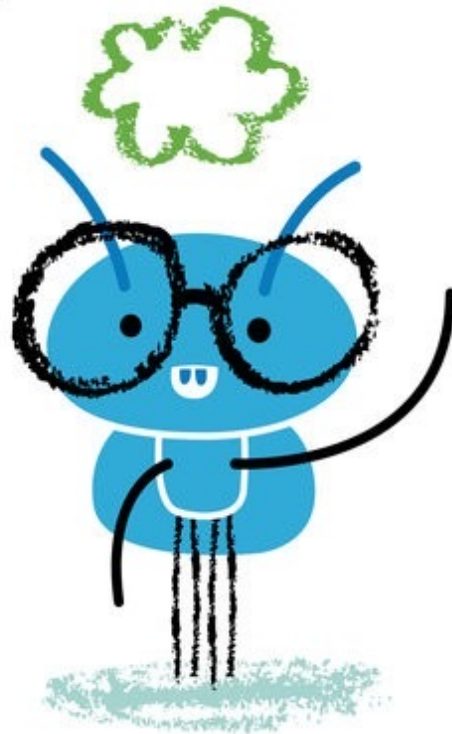
ملکه برای پر کردن ذخیره
غذا میخواهد، بنابراین
همه مورچه ها باید کمی
زیاد کار کنند.

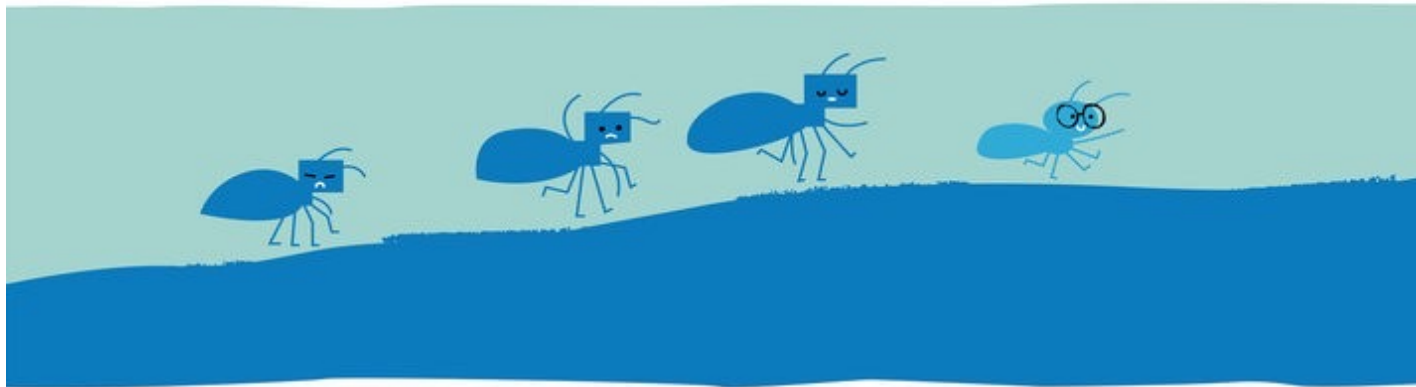
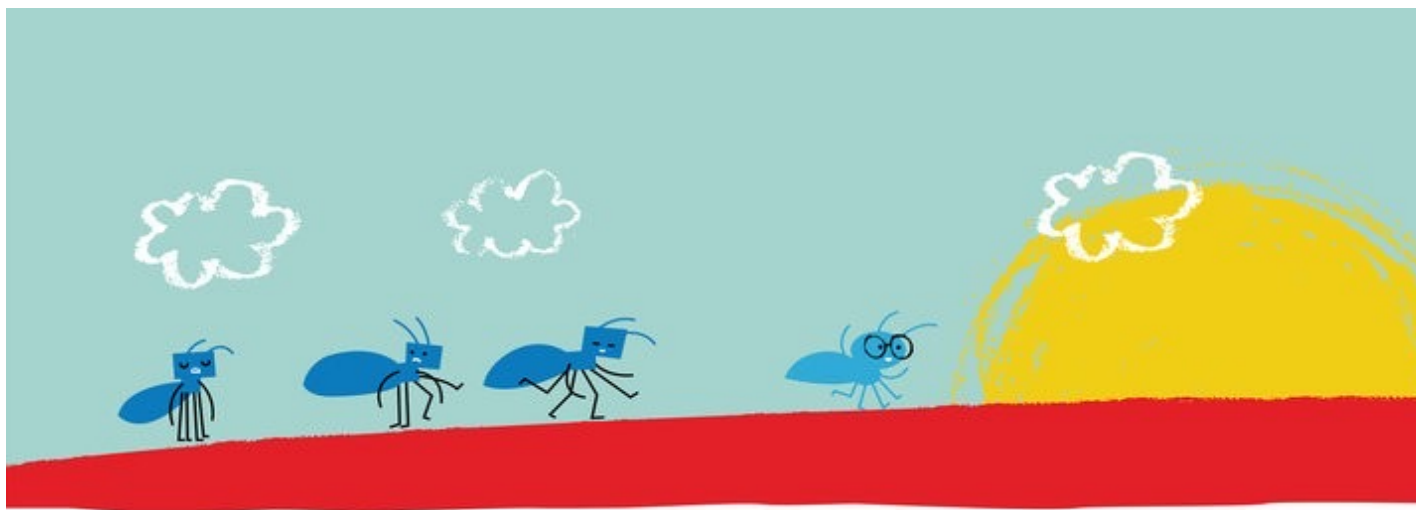




مورچه کوچک در مورد
جای شروع به فریاد زدن
می کند که در مورد آن
مطالعه کرده است.

«رستوران همان جای
است که ما به آن نیاز
داریم، جاییکه مردم برای
غذا خوردن می روند. این
را در همان کتابها
میگویند که من
میخوانم.»



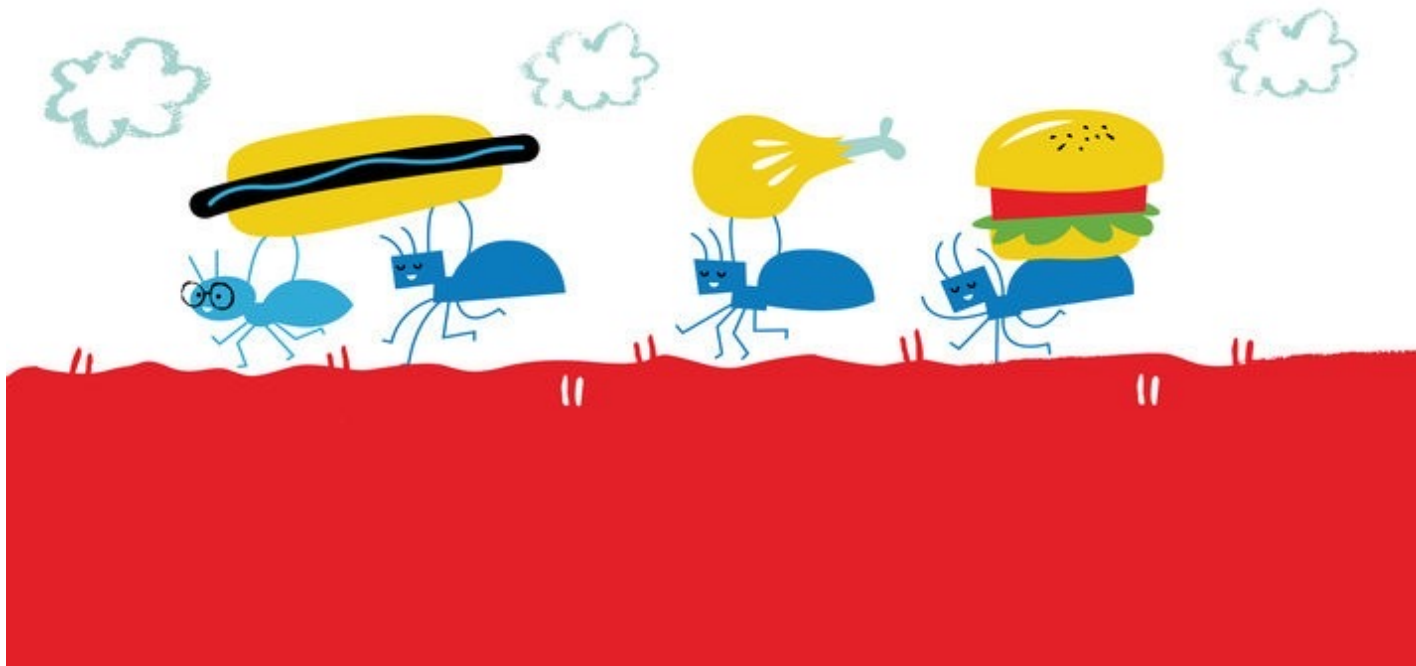


مورچه ها یکی یکی به
همان طرف مارش
میکنند. آنها به سمت
غروب آفتاب حرکت می
کنند.



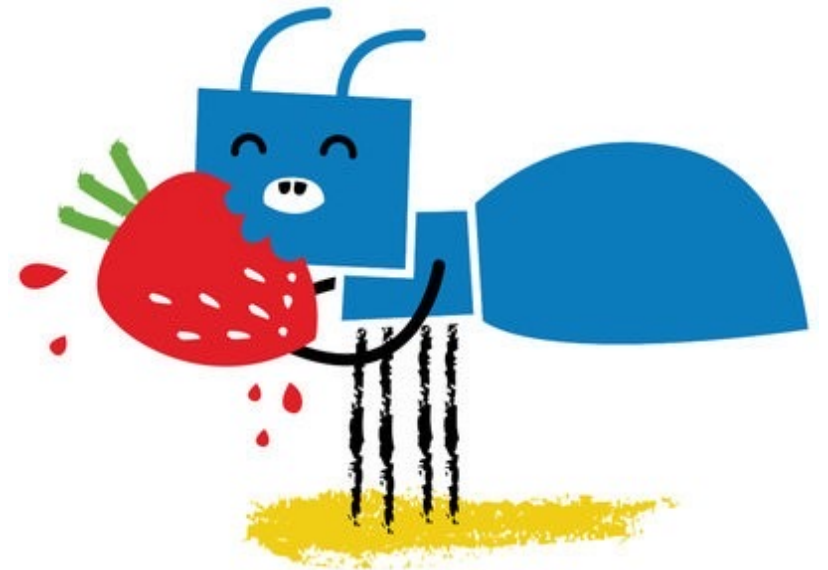
و مورچه کوچک
گفت: "هی، اینجا
یک چیز است!"





مورچه ها یکی یکی
مارش میکنند، برگر
میبرند، نان میبرند.

هنگامیکه آنها بر میگردند ملکه
خوشحال است. ذخیره ها پر است. آنها
دیوانه وار خوشهالی میکنند.







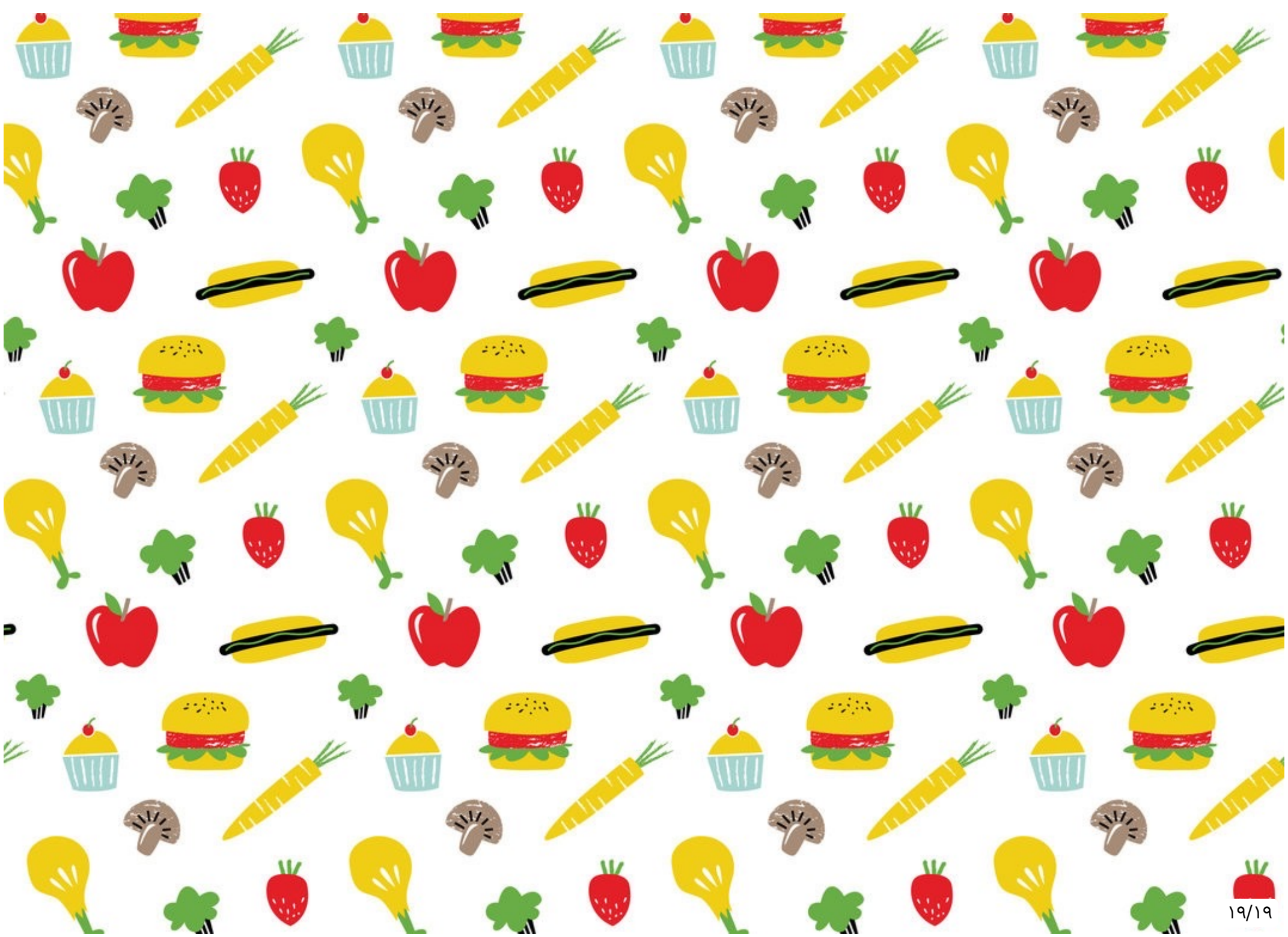
پدر و مادر مورچه را
در آغوش می گیرند.



خواهر کوچکش دستش
را می‌گیرد و میگوید:
«حالا فکر می‌کنم
فهمیدم.»

به شکل که شما
علاقمند خواندن کتاب
هستید ... باعث می
شود که من هم یگ نگاه
بیندازم."





سوالات رهنمودی

۱. فکر می کنید چرا مورچه های دیگر مورچه کوچک را مسخره می کردند؟
۲. خواندن مورچه کوچک چی فایده برای همه مورچه ها داشت؟
۳. به نظر شما چرا حیوانات در خزان غذا ذخیره می کنند؟
۴. علاقه دارید که بخونید؟ آیا تا به حال از چیزی که خوانده اید برای کمک به خانواده یا دوستان خود استفاده کرده اید؟
۵. به نظر شما خواندن مهم است؟ حداقل دو دلیل برای جواب خود بیاورید.